

تحلیلی بر روابط شرط پذیرش مسئولیت/ جبران خسارت و انتقال آن به بیمه‌گر

محمود باقری*

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

عادل ابراهیم‌پور اسنجان

استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۶/۶)

چکیده

موضوعات مربوط به مسئولیت‌های ناشی از قرارداد و تسهیم آن، از موضوعات بسیار مهم و حیاتی قراردادهاست که عمدتاً مدت زیادی را در زمان مذاکرات قراردادی به خود اختصاص می‌دهند. براساس اصل اولیة حقوقی، هر فردی بایستی مسئولیت ناشی از افعال و اقوال خود را پذیرا باشد، اما پیچیدگیهای موجود در قراردادهای صنعتی به‌ویژه حوزه نفت و گاز که پروژه‌های بسیار گرانی را به خود اختصاص می‌دهند از این مرز عبور کرده است و به جهت حرفه‌ای بودن طرفین صرفنظر از قواعد اولیة حقوقی، مسئولیت‌های قراردادی را به طرف مقابل یا شخص ثالثی (عمدتاً شرکت‌های بیمه‌ای) منتقل می‌کنند. این سطوح از تخصیص مسئولیت‌های قراردادی که تحت عنوان شرط جبران خسارت، پذیرش مسئولیت و بیمه از آن یاد می‌شود، در واقع مکانیزمهایی هستند که به جهت جلوگیری از افزایش بی‌رویه هزینه‌های پروژه در خرید پوشش‌های بیمه‌ای مضاعف، همچنین جلوگیری از متوقف ماندن روند اجرایی پروژه به دلیل اختلافات قراردادی - حقوقی و تخصیص ریسک به طرفی که کارآمدی بهتر در قبول و مدیریت ریسک است، مزیت‌های بسیاری دارند. در واقع سؤال اصلی در این خصوص واکاوی تعامل این دو عامل در پذیرش مسئولیت است. تعامل و برهم‌کنش این دو عامل در یکدیگر سبب می‌شود تا عملاً این دو مفهوم به صورت پیوسته و به هم‌تنیده بحث و بررسی شوند هرچند ممکن است به موجب برخی رویه‌ها در بعضی از کشورها مفاد این دو موضوع مستقل از یکدیگر در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی

بیمه اولیه، بیمه ثانویه، بیمه شده اضافی، تقصیر سنگین، قائم‌مقامی، نفع بیمه‌پذیر.

۱. مقدمه

جوهر مشترک مفاهیم مربوط به سه بحث اصلی درخصوص موضوع مسئولیت در قرارداد (مسئولیت قراردادی، شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت و انتقال آن به شرکت‌های بیمه‌ای) خود مسئولیت است. اما با توجه به اینکه چه کسی در نهایت این مسئولیت را پذیرا باشد، شیوه‌هایی استفاده می‌شود که مسئولیت ناشی از موضوع قرارداد را متوجه طرفین یا شخص ثالثی به نام بیمه‌گر می‌کند. به عبارت بهتر، این سه مفهوم در عین حال که جوهر مشترکی دارند از حیث فرد پذیرنده آن به سه مقام تقسیم می‌شوند.

بنابراین، اصل اولی در موضوع مسئولیت قراردادی این است که هر فرد بایستی مسئولیت تعهدات خود را پذیرا باشد و خسارت ناشی از آن را که به طرف دیگر قرارداد یا اشخاص ثالث وارد می‌شود جبران کند. البته همین موضوع در نظام‌های حقوقی مختلف دارای قواعد و شرایطی است که خود مستلزم بحث مستقلی است. در واقع از این اصل اولی که مطابق طبیعت مفهوم مسئولیت است ما به منزله تخصیص اولیه ریسک در قراردادها یاد می‌کنیم که برابر موازین و مقررات قانون حاکم بر قرارداد تجزیه و تحلیل می‌شود.

مقام دوم در چگونگی تعیین فرد پذیرای مسئولیت در قرارداد این است که طرفین قرارداد مسئولیت ناشی از تعهدات خود را به طرف دیگر منتقل کنند. حال ممکن است این انتقال یک‌طرفه باشد یا اینکه به صورت متقابل اتفاق بیفتد. این موضوع که از آن تحت عنوان شرط جبران خسارت/پذیرش مسئولیت^۱ یاد می‌شود، در این مقاله تخصیص ثانویه ریسک نامیده می‌شود.

مقام سوم ناظر به انتقال مسئولیت طرفین قرارداد به فردی خارج از قرارداد و شخص یا نهاد ثالثی است. این انتقال مسئولیت اغلب در قراردادهای صنعتی به شرکت‌های بیمه‌ای صورت می‌گیرد. در واقع در این مرحله طرفین قرارداد مسئولیت‌های ناشی از تعهدات خود را به شخص ثالثی به نام شرکت بیمه‌گر منتقل می‌کنند که برابر شرایط و مفاد مورد توافق با شرکت بیمه، بیمه‌گر خسارات وارده را جبران می‌کند. این مرحله از تخصیص مسئولیت، در این مقاله تخصیص ثالثیه ریسک نامیده می‌شود. در هرم تخصیص ریسک این بیمه است که اجازه تخصیص ریسک را به طرف دیگر که به طور قراردادی مسئول جبران خسارات نبوده است می‌دهد. به عبارت دیگر، پذیرنده ریسک در بیمه‌کردن آن ریسک و مدیریت آن در مقایسه با طرفی که مستقیماً این ریسک متوجه آن شده از کارآمدی بیشتری برخوردار است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک. ابراهیم‌پور اسنجان عادل و دیگران (۱۳۹۵). مقاله «تحلیلی بر شرط پذیرش مسئولیت/جبران خسارت (موردکاوی قراردادهای نفت و گاز)»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی (دانشگاه تربیت مدرس)، دوره ۲۰، شماره ۳، ۱-۲۶.

در این مقاله سعی بر آن است تا تأثیر این عوامل در یکدیگر را به‌ویژه تأثیر شرط جبران خسارت و بیمه را بررسی کنیم، تا روشن شود که آیا مفاد مندرج درخصوص شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت در قرارداد پایه می‌تواند محدوده مفاد بیمه‌نامه متناظر با قرارداد را محدود کند یا اینکه قرارداد بیمه خود کارکرد مستقلی دارد و ممکن است دایره شمولی آن گسترده‌تر از شروط مندرج در قرارداد درخصوص شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت باشد. توضیح آنکه علی‌الاصول مفاد بیمه‌نامه‌های متناظر با موضوع قرارداد که در زمره تعهدات پیمانکار است، به‌نوعی پشتیبان شروط جبران خسارت است، اما در برخی موارد کارکرد مستقل قرارداد بیمه صرف‌نظر از قرارداد پایه شناسایی و تأیید شده است.

۲. نقش شرط پذیرش مسئولیت/جبران خسارت بر کاهش هزینه خرید پوشش‌های

بیمه‌ای

یکی از کارکردهای اصلی شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت این است که بدون وجود این شرط طرفین قرارداد مجبور به خرید پوشش‌های مختلف خواهند بود که در موارد زیادی این پوشش‌های بیمه‌ای با یکدیگر هم‌پوشانی خواهند داشت. این امر موجب بالارفتن هزینه‌های طرفین قرارداد می‌شود و سبب خواهد شد که حق بیمه‌های گزافی به صورت مضاعف به بیمه‌گران پرداخت شود که در نتیجه موجب بالابردن هزینه‌های پروژه می‌شود (Dezhi Peng, David, 1993: 124).

۳. نقش پوشش‌های بیمه‌ای بر تقویت شرط پذیرش مسئولیت/جبران خسارت

به طور کلی باید گفت که مفاد شرط پذیرش مسئولیت/جبران خسارت در قراردادها بایستی بر مبنای اینکه کدام‌یک از طرفین قرارداد بهترین و قوی‌ترین موضع را برای مدیریت، بیمه‌کردن و پذیرش ریسک‌های قراردادی دارد، تنظیم شود؛ به‌گونه‌ای که اگر ریسک شاخص و مهم قراردادی به‌وسیله یکی از طرفین قرارداد که قابلیت مدیریت بهتر و موفق‌تر آن را دارد پذیرفته شود و به‌وسیله مفاد شرط پذیرش مسئولیت/جبران خسارت در زمره تعهدات وی قرار گیرد این امر به‌مثابه چاقوی تیز و برنده‌ای خواهد بود که نبود تجربه کافی، نداشتن اشراف کامل طرف قرارداد به محیط حاکم بر کار را می‌شکافد و از بین خواهد برد. برعکس اگر ماهیت ریسک به‌نوعی باشد که قابل کنترل نباشد پذیرش آن از سوی یکی از طرفین در قالب شرط پذیرش مسئولیت/جبران خسارت به‌مثابه چاقویی خواهد بود که صرفاً دست طرف دیگر را زخمی می‌کند (Ernest E, Smith & Co, 2010: 172).

اینکه چه موضوعاتی قابل بیمه شدن نیستند، همچنین ارزیابی میزان احتمال به وقوع پیوستن این موارد از اهمیت بسزایی در تخصیص ریسک برخوردار است (Ibid). در واقع از شرط جبران خسارت بایستی برای تخصیص آن ریسکی استفاده کرد که یکی از طرفین می تواند به طرز مؤثرتری آن را مدیریت، بیمه یا در نهایت تحمل کند.

همیشه شروط جبران خسارت به صورت برابر نیستند؛ برخی شبیه خودکشی و برخی مثل مسکن عمل می کنند. ریسک هایی که شبیه خودکشی اند توان جبران آن برای طرف مقابل مقدور نیست و مثل ریسک هایی هستند که قابلیت بیمه شدن ندارند و در اثر این عمل ممکن است طرف مقابل در حالت ورشکستگی قرار گیرد (Ibid). البته با وجود این برخی از طرفین ممکن است چنین ریسک هایی را بپذیرند، زیرا یا آن را کاملاً در نظر نمی گیرند یا احتمال وقوع آن را خیلی دور از واقعیت تصور می کنند. در طرف مقابل شروط جبران خسارت که به مثابه یک مسکن عمل می کنند به راحتی مؤثر واقع می شوند، زیرا پوشش آن حداقل برای یکی از طرفین کم خطر است و وجود این مکانیزم، بی اطمینانی های طرف مقابل را پوشش می دهد. یک مثال خوب برای تبیین بهتر موضوع اینکه ممکن است پیمانکار از یک تکنولوژی دارای حق اختراع یا از یک علامت تجاری به منزله یکی از خدمات خود استفاده کند و کارفرما این نگرانی را داشته باشد که شاید پیمانکار به استفاده از این تکنولوژی یا علامت تجاری مجاز نباشد و وی به منزله عامل بلا فصل نقض مالکیت فکری در اولین گام و از باب مسئولیت مدنی مسئول شناخته شود که در این صورت پیمانکار با این شرط نگرانی های کارفرما را پوشش می دهد که او را در برابر ادعاهای اشخاص ثالث مصون نگه دارد. در خصوص موضوعات مالکیت فکری این شرط تقریباً یک جانبه است، اما در برخی موارد ممکن است که این تعهد به صورت دوجانبه صورت گیرد و آن در صورتی است که برای مثال کارفرما مجوز یک تکنولوژی به ثبت رسیده را تأیید و از پیمانکار بخواهد که آن را استفاده کند. در این فرض هر یک از طرفین هم به جبران خسارت متعهد می شوند و هم به نفع آنها شرط می شود که در صورت وقوع خسارت، طرف دیگر آن را جبران کند.

معمولاً شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت در خصوص صدمات به افراد، فوت اشخاص و خسارات وارده به اموال به وسیله بیمه نامه هایی که متعهد این شروط اتباع می کند پشتیبانی می شود (Charles W. Sartain, et al., 2013: 12). در واقع بیمه شایع ترین و ایمن ترین روشی است که ذی نفع این شرط می تواند با اتکا به آن از پذیرش و عمل به تعهدات از سوی متعهد مطمئن باشد. البته ممکن است مفاد شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت در خصوص موضوعاتی که قابلیت بیمه پذیری ندارند نیز جاری باشد. نمونه بارز در خصوص مورد اخیر ادعاها و خساراتی است که مربوط به آلودگی هایی است که به تدریج در حال

گسترش‌اند، با این توضیح که فرد متعهد ممکن است صرفاً برای آلودگی‌های مقطعی و اتفاقی پوشش بیمه‌ای تدارک دیده باشد و نه برای آلودگی‌هایی که به مرور زمان و به صورت تدریجی در حال گسترش‌اند. با وجود این، مفاد شروط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت به‌گونه‌ای درج می‌شوند که شامل تمامی ادعاها و خسارات باشند، خواه موضوع مورد شرط قابلیت بیمه‌شدن داشته باشد یا خیر.

بنابراین، با پذیرش شرط مزبور از سوی متعهد آن، پوشش حمایتی برای ذی‌نفع آن در برابر حوادث نامطلوبی ایجاد می‌شود که خرید پوشش بیمه‌ای برای آن مقدور نبوده یا همچون خسارات ناشی از آلودگی بسیار هزینه‌بر است. در واقع فرد متعهد خود را در معرض ریسک غیر قابل بیمه قرار می‌دهد و طبیعتاً مذاکرات قراردادی برای درج چنین شروطی در قراردادها به‌ویژه در قراردادهای صنعتی از جمله قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز در بخش فراساحل^۱ بسیار سخت و پیچیده خواهد بود. بنابراین، منتفع‌شدن از چنین شرطی در صورتی که متعهد آن از لحاظ بنیۀ مالی ضعیف باشد و قادر به ایفای تعهدات مربوط به خود در این خصوص نباشد به تعبیری (Ernest E, Smith & Co, Op. Cit, 706) یک پیروزی پوچ و میان‌تهی است.

با توجه به گسترده‌بودن دایرۀ شمولی شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت از دایرۀ شمولی پوشش‌های بیمه‌ای که این امر خود از غیر قابل بیمه‌بودن برخی موضوعات یا بسیار بالا بودن حق بیمه برخی حوادث و در نتیجه بدون پوشش بیمه‌ای باقی‌ماندن آن ناشی می‌شود؛ اکثر قراردادهای الزامات قراردادی شرط مزبور و پوشش‌های بیمه‌ای را در قراردادها به صورت مستقل و جدا از یکدیگر درج می‌کنند. شاید بهترین نمونه در این خصوص شرط‌های جبران خسارتی است که در خصوص نقض حق اختراع، علائم تجاری و مسائل مشابه در قراردادها درج می‌شود.

با توجه به مراتب ذکرشده و به جهت نامحدودبودن تعهدات ناشی از شرط جبران خسارتی که اتکا به پوشش بیمه‌ای ندارد، طرفین قرارداد جانب احتیاط را برمی‌گزینند و محدوده تعهدات خود در خصوص این شرط را به سقف پوشش‌های بیمه‌ای محدود می‌کنند، هرچند نپذیرفتن چنین عملی در خصوص محدودسازی تعهدات تا سقف پوشش بیمه‌ای به‌ویژه زمانی که فرد متعهد از اعتبار قابل قبولی از حیث قدرت تجاری بهره‌مند نیست از ارزش عملی کمتری برخوردار است. شایان یادآوری است در متن قرارداد به اینکه مفاد پوشش بیمه‌نامه‌های موضوع قرارداد تا چه حدی باید باشد، تصریح نمی‌شود و سؤال اصلی این است که اگر مفاد بیمه‌نامه‌ها پوششی بیشتر از شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت داشته باشند

آیا ذی‌نفع بیمه‌ای (متعهدله شرط جبران خسارت که نام وی به‌منزله بیمه‌شده اصلی یا اضافی در بیمه‌نامه ذکر می‌شود) توان استناد به مفاد آن را دارد؟ یا اینکه نهایت بهره‌مندی وی به مفاد شرط جبران خسارت محدود خواهد بود. در این خصوص می‌توان به دو نظریه استقلال مفاد بیمه‌نامه و تبعی بودن آن نظر داد، در صورتی که مفاد بیمه‌نامه را تابع شرط جبران خسارت بدانیم، باید محدوده جبران خسارت را محدود به آن دانست و در صورتی که مفاد بیمه‌نامه را مستقل از شرط پایه قراردادی در نظر گرفت بایستی این مفاد را درخصوص میزان جبران خسارت از سوی بیمه‌گر حاکم دانست (ر.ک. به شماره ۷). هرچند عملاً دایره شمولی شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت وسیع‌تر از تعهدات و پوشش بیمه‌ای است و معیار تأمین پوشش بیمه‌ای از سوی پیمانکار رعایت استانداردهای بین‌المللی در حوزه مربوطه به‌منزله مثال فرمتها و پوشش بیمه‌ای استفاده‌شده در حوزه نفت و گاز است.^۱

۴. اسقاط حق جانشینی بیمه‌گر به دلیل اجرای مفاد شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت

به طور طبیعی و عادی زمانی که بیمه‌گر خسارات وارده به فرد بیمه‌شده را جبران می‌کند، قائم‌مقام فرد بیمه‌شده می‌شود و به اصطلاح پا جای پای او می‌گذارد^۲ و این حق را خواهد داشت تا خسارت‌های پرداخت‌کرده خود را از فرد مقصر حادثه مطالبه کند که از این حق به‌منزله حق جانشینی^۳ یاد می‌شود. پایه و اساس این حق جانشینی بر این مطلب استوار است که درواقع با این عمل از جبران مضاعف و دوباره خسارت از سوی فرد بیمه‌گر جلوگیری شود و او نتواند علاوه بر جبران خسارات وارده به خود از بیمه‌گر، مجدداً سراغ فرد مقصر برود و خسارات خود را مجدداً از وی مطالبه کند. این حق جانشینی به بیمه‌گر این اجازه را می‌دهد که تا خسارات خود را کاهش دهد، اما این موضوع در مقام اعمال شرط جبران خسارتی که تقصیر در آن شرط نیست، قابلیت استفاده نخواهد داشت، زیرا زمانی که چنین شرطی در قراردادی درج می‌شود و فرد متعهد به‌منظور عمل کردن به تعهد خود پوشش بیمه‌ای

۱. برای مثال ماده ۱۲ قرارداد بیع متقابل برای توسعه میادین نفتی درخصوص تعهدات بیمه‌ای پیمانکار این‌گونه مقرر می‌دارد که:

12. LIABILITY AND INSURANCE

12.1. Contractor shall, in coordination with N.I.O.C. and its prior written approval, maintain insurance coverage with insurers in all types and amounts required for the performance of the Contract during the Development Operations.

12.4 Contractor shall provide insurance coverage for the third party liability in an amount appropriate to the risk and consistent with good international petroleum industry practice. Also Contractor shall maintain insurance in the joint name of the Parties with respect to damage to wells, clusters, equipment, facilities, fixtures and installations.

2. Stands in the shoes.

3. Right of Subrogation.

مناسب برای آن خریداری می‌کند در بیمه‌نامه خود چنین شرط می‌کند که بیمه‌گر حق جانشینی خود را درخصوص تقصیر متعهدله شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت (آن مقصری که به نفع او شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت برقرار است) اسقاط کند (Matthew Skinner & Justin Coss, 2006: 6). اسقاط چنین حقی سبب خواهد شد که بیمه‌گر پس از جبران خسارت در برابر بیمه‌شده قادر نباشد آن‌ها را از فرد مقصری مطالبه کند که در قرارداد خود با بیمه‌شده ذی‌نفع شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت قرار گرفته است (James W. Bryan, 2010: 5). همچنین، ممکن است در قرارداد اصلی این‌گونه شرط شود که در بیمه‌های تهیه شده از سوی پیمانکار، بیمه‌گر حق نداشته باشد به افرادی مراجعه کند که در قرارداد تحت شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت پیمانکار قرار گرفته‌اند.^۱

۵. ساقط‌نشدن حق جانشینی بیمه‌گر و تأثیر آن در اجرای مفاد شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت

آن‌گونه که ذکر شد قائم‌مقامی به‌منزله یکی از اصول پذیرفته‌شده در حقوق بیمه است و بیمه‌گر برابر مفاد آن مستحق است به میزان خساراتی که جبران کرده است، هزینه‌های مربوطه را از شخص علت حادثه مطالبه و برای این امر اقامه دعوی کند. در این حالت بیمه‌شده مکلف است تمامی اطلاعات لازم را در اختیار بیمه‌گر گذارد تا وی بتواند از مدارک موجود در جریان دادرسی استفاده کند. در قراردادهای صنعتی از جمله قراردادهای حفاری در حوزه نفت و گاز معمولاً از سوی عامل پروژه^۲ یک تعهد و شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت با گستره زیادی در برابر پیمانکاران حفاری وجود دارد که عملاً به درج شرط اسقاط حق قائم‌مقامی بیمه‌گر در برابر آن‌ها منتج خواهد بود. در برخی بیمه‌نامه‌ها مثل بیمه‌نامه تمام‌خطر ساخت سازه‌های دریایی^۳، این موضوع به‌منزله شرط صریح بیمه‌نامه درج می‌شود^۴ که در اثر

۱. به‌منزله ماده ۲۳ قراردادهای استاندارد مؤسسه LOGIC (Standard contracts for the UK offshore oil and gas industry)

(gas industry) برای ساخت سازه‌های دریایی درخصوص تعهدات بیمه‌ای پیمانکار این‌گونه مقرر می‌دارد که:

All insurances required under this Clause 23 shall be endorsed to provide that underwriters waive any rights of recourse, including in particular subrogation rights against the COMPANY, CO-VENTURERS and its and their respective AFFILIATES in relation to the CONTRACT to the extent of the liabilities assumed by the CONTRACTOR under the CONTRACT.

2. Operator.

3. Well Car 2001 Insurance Policy.

4. waiver of Subrogation

Underwriters agree to waive rights of subrogation against any Principal Assured(s) and/or Other Assured(s).

البته شایان یادآوری است، حق قائم‌مقامی صرفاً در برابر بیمه‌شدگان اصلی و دیگر بیمه‌شدگان اسقاط می‌شود و در برابر اشخاص دیگر به قوت خود باقی است (لازم به توضیح است که در این بیمه‌نامه علاوه بر بیمه‌گذار اسامی طرف‌های قراردادی

آن حق قائم‌مقامی بیمه‌گر صرفاً در برابر طرف‌های قراردادی بیمه‌گذار که خود نیز در زمره بیمه‌شدگان اصلی قرار دارند، از بین می‌رود. اما در برخی بیمه‌نامه‌ها اسقاط حق قائم‌مقامی بیمه‌گر به این صورت نبوده و اصل بر قائم‌مقامی بیمه‌گر در برابر هر عامل موجب حادثه اعم طرف قراردادی و اشخاص ثالث است. برای مثال، می‌توان به بیمه‌نامه مربوط به پوشش ریسک‌های ناشی از کنترل چاه اشاره کرد. در این بیمه‌نامه موضوع اسقاط قائم‌مقامی بایستی به نحو کتبی پیش‌تر به توافق طرفین بیمه‌نامه برسد. در این صورت حق قائم‌مقامی بیمه‌گر در برابر تمامی پیمانکاران درگیر موضوع بیمه‌نامه اسقاط شده تلقی می‌شود، اما در صورتی که مفاد این موضوع پیش‌تر به توافق طرفین بیمه‌نامه درخصوص اسقاط حق جانشینی نرسیده باشد و با توجه به مفاد شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت در قرارداد اصلی که بیمه‌گذار متعهد به مفاد آن درخصوص جبران خسارات و پذیرش مسئولیت ناشی از فعل و ترک فعل طرف مقابل بوده و عملاً وی خواهان اسقاط چنین حقی (قائم‌مقامی) از سوی بیمه‌گر است، در این صورت بیمه‌گر مسئولیتی درخصوص جبران خسارت نخواهد داشت.^۱ توضیح آنکه بر خلاف آنکه بیمه‌نامه تمام‌خطر ساخت سازه‌های دریایی (well Car 2001 Insurance Policy) که در آن به صورت مفروض اسقاط حق جانشینی بیمه‌گر در برابر تمامی بیمه‌شدگان (اعم از بیمه‌شدگان اصلی یا سایر بیمه‌شدگان) به منزله یکی از شروط بیمه‌نامه بوده است و بیمه‌گر اساساً چنین حقی را با توجه به مفاد چنین شرطی برای خود قائل نمی‌شد، این موضوع در برخی بیمه‌نامه‌ها به این صورت نبوده است و بایستی در صورت لزوم مورد توافق طرفین قرار گیرد و با توجه به اینکه در قراردادهای اصلی پایه، شرط جبران خسارت به صورت متقابل و گسترده وجود دارد عملاً حق قائم‌مقامی بیمه‌گر بی‌معنا خواهد بود. حال در صورتی که اسقاط حق قائم‌مقامی بیمه‌گر مورد توافق قرار گرفته باشد بحثی نیست، اما در صورتی که اسقاط حق قائم‌مقامی در

که شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت براساس قرارداد پایه به نفع آن‌ها برقرار است حسب مورد به منزله بیمه‌شده اصلی یا سایر بیمه‌شدگان درج می‌شود.

1. Subrogation

.... A. It is agreed that the Underwriters may make claim upon and institute legal proceedings against any parties believed responsible for loss, damage or expense reimbursed hereunder in the name of the Assured, and the Assured shall provide Underwriters their full cooperation in pursuing such claim or legal proceedings.

B. Permission is expressly granted to the Assured to waive Underwriters' rights of subrogation against any individual, firm or corporation who or which is under contract or otherwise performing work for the Assured or for whom or which the Assured is performing work or rendering services, provided always such waiver is executed in writing prior to any occurrence giving rise to claims for reimbursement hereunder.

Except as specifically provided or permitted by this Policy, the Assured shall not waive, release or diminish rights of recovery or subrogation with respect to any claim, which, upon payment thereof by Underwriters, would otherwise belong or accrue to Underwriters, and insofar as and to the extent that any action by the Assured waives, releases or diminishes the rights of recovery or subrogation in respect of such claim, Underwriters shall have no liability under this Policy.

برابر پیمانکاران دست دوم و بیمه‌شدگان اضافی شرط نشده باشد، با توجه به مفاد شرط جبران خسارت برای اینکه حقوق بیمه‌گر حفظ شود، باید گفت بیمه‌گر مسئولیتی ندارد.

درخصوص مطلب بالا اشاره به این نکته ضروری است که حکم به مسئولیت‌نداشتن بیمه‌گر در صورتی صائب خواهد بود که چنین توافقی فی‌مابین بیمه‌شده و بیمه‌گر تصریح شده باشد، در غیر این صورت اگر چنین توافق صریحی در بیمه‌نامه وجود نداشته باشد، بایستی مشخص کرد که آیا قائم‌مقامی بیمه‌گر با لحاظ مفاد پذیرش مسئولیت و جبران خسارت در برابر فرد علت حادثه ساقط شده تلقی می‌شود یا اینکه این حق همچنان برای وی محفوظ است؟ برای پاسخ به این سؤال بایستی ماهیت حق قائم‌مقامی تبیین شود که وجود چنین حقی به موجب چه منبعی ایجاد شده است؟ (عباس‌لو و کریمی‌قهی، ۱۳۹۴: ۲۶۰). در صورتی که منبع این حق قانون باشد آیا این قانون تکمیلی است یا امری؟ با توجه به اینکه این موضوع در زمره حقوق است، بایستی قائل به قابلیت اسقاط آن شد و چون برخلاف آن می‌توان توافق کرد لزوماً در زمره قواعد تکمیلی خواهد بود. ماده ۳۰ قانون بیمه در این خصوص مقرر می‌دارد که «بیمه‌گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم‌مقام بیمه‌گذار خواهد بود...». بنابراین، حق قائم‌مقامی جزو قواعد تکمیلی است که در صورت توافق بیمه‌گر و بیمه‌گذار قابل اسقاط خواهد بود. حال در صورتی که چنین حقی اسقاط نشده باشد، آیا مفاد تعهدات قراردادی موضوع بیمه می‌تواند موجب زوال این حق شود؟ برخی بر این نظرند که حق بیمه‌گر در صورت سهیم‌بودن بیمه‌گذار در حادثه باید حفظ شود (ایزنلو، ۱۳۸۹: ۶۲)، اما در صورتی که چنین امری محقق نشود و تنها علت حادثه همان طرف قراردادی بیمه‌گذار در قرارداد اصلی باشد، بیمه‌گر باید خسارت زیان‌دیده را جبران کند، اما هنگام رجوع به وی به مفاد شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت محدود خواهد بود. در تحلیل این موضوع بایستی گفت که مفهوم قائم‌مقامی نیز مؤید این امر است، زیرا بیمه‌گر قائم‌مقام آن حقوقی می‌شود که بیمه‌گذار از آن برخوردار است و در صورتی که حق مطالبه ضرر و زیان از سوی بیمه‌گذار از علت حادثه وجود ندارد، حق بیمه‌گر نیز در این خصوص به همان حقوق بیمه‌گذار محدود خواهد بود و طبیعتاً حق قائم‌مقامی وی زایل شده تلقی می‌شود. البته در این خصوص بایستی به تفکیک به وضعیت علم و جهل بیمه‌گر در زمان انعقاد عقد بیمه از مفاد شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت قائل بود. بنابراین، در صورت علم بیمه‌گر از مفاد این شرط می‌توان به رضایت وی درخصوص اسقاط حق جانشینی قائل شد، اما در صورت جهل وی به مفاد این شرط بایستی ابقای چنین حقی را برای وی قائل شد. البته ممکن است ثالث در برابر بیمه‌گر به مفاد شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت استناد کند که در این صورت مسئله جدیدی

حادث می‌شود و آن اینکه آیا بیمه‌گر قادر به استرداد خسارات پرداخت شده به بیمه‌گذار است یا خیر؟ آیا در صورت جهل بیمه‌گر می‌توان مفاد ذیل ماده ۳۰ قانون بیمه را که مقرر می‌دارد «اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه‌گر مسئول شناخته می‌شود» استناد کرد و از این رهگذر به استرداد وجوه پرداختی قائل شد؟ یا اینکه بایستی برابر مفاد ماده ۱۲ قانون بیمه^۱ اطلاع‌رسانی نکردن چنین شرطی را در زمره تخلفات بیمه‌گذار از خودداری از اظهار مطالبی که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن کاسته است، قلمداد کرد.

۶. ذی‌نفع قرارگرفتن متعهدله شرط جبران خسارت در بیمه‌نامه فرد متعهد

به صورت منطقی براساس مفاد قراردادهای صنعتی به‌ویژه قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ذی‌نفع شرط جبران خسارت بایستی به‌منزله بیمه‌شده اضافی در بیمه‌نامه منعقد فی‌مابین متعهد و بیمه‌گر معرفی شود و از آنجا که بیمه‌گر نمی‌تواند بر علیه بیمه‌شدگان خود اقامه دعوی کند اضافه‌کردن طرف قراردادی بیمه‌گذار به‌منزله بیمه‌شده مستلزم درج شرط اسقاط حق جانشینی فرد بیمه‌گر در برابر طرف قراردادی بیمه‌گذار است. نکته مهم درخور توجه درخصوص ذی‌نفع قرارگرفتن فرد مزبور این است که منتفع‌شدن وی از مفاد بیمه‌نامه به صورت مطلق نبوده و به میزان تعهدات فرد بیمه‌گذار در قرارداد مربوطه درخصوص شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت محدود است. درج چنین شرطی در بیمه‌نامه برای متعهدله شرط جبران خسارت این مزیت را به همراه دارد که وی را قادر می‌کند تا با توسل به چنین شرطی به طور مستقیم خسارات وارده به خود را از بیمه‌گر مطالبه کند تا اینکه از بیمه‌گذار تقاضای چنین عملی را داشته باشد.

۷. نظریه مستقل بودن مفاد مقررات بیمه نسبت به مفاد شرط پذیرش مسئولیت و

جبران خسارت در قرارداد پایه

خطرهای متعددی ممکن است در پروژه‌های صنعتی برای کارکنان، کارفرمایان و پیمانکاران وجود داشته باشد. از همین رو، شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت تنها راه مدیریت ریسک‌های این فعالیت‌ها نیست و همان‌گونه که ذکر شد در کنار این روش طرفین قرارداد از نهاد بیمه منتفع می‌شوند. بنابراین، پیمانکار ضمن تعهد به شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت این تعهد را می‌پذیرد که پوشش‌های بیمه‌ای لازم را تهیه و کارفرما را نیز به‌منزله

۱. ماده ۱۲- هرگاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهارنشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود.

بیمه‌شده اضافی^۱ در بیمه‌نامه ذکر کند. در چنین حالتی کارفرما حق خواهد داشت به بیمه‌گر پیمانکار مراجعه مستقیم داشته باشد. سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که اگر ابهامی درباره میزان و محدوده پوشش بیمه‌نامه^۲ وجود داشته باشد، آیا این ابهام صرفاً با توجه به مفاد و متن بیمه‌نامه بایستی تفسیر شود یا در پرتو مفاد قرارداد درخصوص گستره شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت است؟ به عبارت دیگر، سقف پوشش‌های بیمه‌ای به مفاد شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت محدود است که در قرارداد تصریح شده یا اینکه متن بیمه‌نامه درخصوص میزان پوشش خسارت مستقلاً موضوعیت داشته و محل اعتبار است؟ در برخی کشورها همچون ایالت تگزاس امریکا این‌گونه پذیرفته شده است که مفاد بیمه‌نامه مستقل از مفاد قرارداد درخصوص شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت است (Gerald f. Slattery, Jr, 2014: 100-148). این موضوع در دو پرونده مهم^۳ نیز تأیید شده است که خلاصه یکی از این پرونده‌ها در ذیل مطرح می‌شود.

۱.۷. پرونده شرکت ATOFINA

در این پرونده صاحب پالایشگاه قراردادی را با پیمانکار خدماتی منعقد می‌کند که پیمانکار متعهد به ۱. جبران خسارت و پذیرش مسئولیت در برابر صاحب پالایشگاه (به غیر از موارد تقصیر سنگین) و ۲. تهیه پوشش‌های بیمه‌ای لازم و قرارداد نام مالک پالایشگاه به منزله بیمه‌شده اضافی در بیمه‌نامه‌های تهیه‌شده، بود. در حادثه‌ای یکی از مستخدمان پیمانکار فوت و وارث وی علیه پیمانکار و صاحب پالایشگاه شکایت می‌کند. طی رسیدگی بیمه اولیه پیمانکار که تا سقف یک میلیون دلار پوشش داشت از سوی بیمه‌گر پیمانکار پرداخت شد که صاحب پالایشگاه تقاضای تسری پوشش بیمه ثانوی پیمانکار که تا نه میلیون پوشش تکمیلی داشت را تقاضا کرد که این خواسته وی مردود واقع شد و وی خود به مصالحه با وراثت متوفی اقدام کرد و در دعوی دیگری بیمه‌گر، پیمانکار را در این خصوص طرف دعوی قرار داد که در مرحله تجدیدنظر، دادگاه صاحب پالایشگاه را مستحق دریافت خسارت از بیمه دانست. این پرونده در دادگاه عالی تگزاس مجدداً پیگیری شد. در این مرحله بیمه‌گر مدعی این امر شد که پوشش بیمه‌نامه به مفاد تعهد جبران خسارت و پذیرش مسئولیت قرارداد پایه محدود است و این در حالی است که مفاد این شرط در قرارداد پایه ناظر تقصیر سنگین ذی‌نفع تعهد نیست، بنابراین بیمه‌نامه موجود که ناظر به این قرارداد پایه است، درخصوص تقصیر سنگین قابل

1. Additional Insured.

2. Scope of Coverage.

3. *Evanston Ins. Co. v. Atofina Petrochemicals, Inc. (ATOFINA)*, 256 S.W.3d 660, 664 n.5 (Tex. 2008). And *Travelers Lloyds Ins. Co. v. Pac. Emp'rs Ins. Co.*, 602 F.3d 677 (5th Cir. 2010).

اعمال نیست. این ادعا به نحو قاطعی از سوی دادگاه عالی تگزاس مردود اعلام شد؛ با این توضیح که صاحب پالایشگاه برابر مفاد بیمه‌نامه حق مراجعه مستقیم به بیمه‌گر پیمانکار را دارد و مفاد قرارداد بیمه خود به منزله یک قرارداد مستقل مطرح است و مفاد آن در پرتو قرارداد پایه تفسیر نخواهد شد.^۱

۸. بیمه اولیه در برابر بیمه ثانویه^۲

ممکن است شخص ذی‌نفع شرط جبران خسارت علاوه بر اینکه به منزله بیمه‌شده اضافی بیمه‌نامه طرف قرارداد خود قرار می‌گیرد، خود نیز مستقلاً پوشش‌های بیمه‌ای مقتضی و لازم را خریداری کند. در این فرض طبیعتاً چنین شخصی از بیمه‌گر برای مواردی که تحت پوشش شرط جبران خسارت قرار گرفته است تقاضای جبران خسارت نخواهد کرد. بنابراین، زمانی که هر دو بیمه‌نامه تهیه شده از سوی متعهد و متعهدله قابل استفاده و بهره‌مندی درخصوص یک خسارت مشخصی است، بایستی بیمه‌نامه فرد متعهد که بیمه‌نامه اولیه نامیده می‌شود استفاده شود. این موضوع ممکن است به‌ویژه در قراردادهای خدماتی که کارفرما خود نیز تاحدی گریزی از پذیرش برخی ریسک‌ها ندارد حادث شود، بنابراین منطقیست بیمه‌نامه فرد متعهد بایستی تا اندازه‌ای که مفاد شرط جبران خسارت معین کرده است به خسارات وارده پوشش دهد، اما همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد ممکن است دامنه شمولی تعهدات مندرج در ذیل شرط جبران خسارت به پوشش بیمه‌ای آن محدود نباشد و مواردی نیز خارج از پوشش بیمه‌ای باقی بماند که بایستی براساس مفاد شرط جبران خسارت پوشش داده شود. این نکته نیز درخور توجه است که بیمه‌نامه فرد متعهدله شرط جبران خسارت نبایستی هیچ خسارتی را درخصوص خسارات وارده مشمول شرط جبران خسارت پرداخت کند، مگر در مواردی که بیمه‌نامه فرد متعهد در پوشش‌دهی تمامی خسارات وارده ناتوان یا اینکه فرد متعهد توانمندی و اعتبار کافی برای جبران مابه‌التفاوت خسارات تدارک‌نشدنی را نداشته باشد که در این موارد بیمه‌نامه فرد متعهدله نسبت به جبران خسارت باقی‌مانده اقدام خواهد کرد. اما این امر بدان معنا نیست که مسئولیت طرف مقابل در این خصوص از بین رفته است یا از مسئولیت مربوطه معاف خواهد بود، بلکه این مسئولیت به قوت خود باقی است و بایستی از سایر طرق مربوطه از جمله اقامه دعوی با استناد به قائم‌مقامی بیمه‌گر استیفا شود.

1. Id. at 664 n.5 (citing Getty Oil Co. V. Ins. Co. of N. Am., 845 S.W.2d 794, 804 (Tex. 1992)). "Where an additional insured provision is separate from and additional to an indemnity provision, the scope of the insurance requirement is not limited by the indemnity clause".

2. Primary VS. Secondary Insurance.

بنابراین، در این فرض بر خلاف مورد قبل که بیمه‌گر حق جانشینی خود را در برابر طرف قراردادی وی اسقاط می‌کرد، حق جانشینی بیمه‌گر متعهدله در برابر متعهد به قوت خود باقی است و پس از جبران خسارت، وی حق دارد علیه فرد متعهد اقامه دعوی کند. البته ممکن است این اشکال در ذهن ایجاد شود که قاعده جانشینی صرفاً در موردی قابل استناد است که فردی مقصر حادثه باشد و در این فرض فرد متعهد درخصوص حادثه وقوع یافته دخیل نبوده است و صرفاً برای جبران خسارت و پذیرش مسئولیت تعهد قراردادی دارد که به دلایلی نتوانسته به مفاد آن به صورت کامل عمل کند و برخی از خسارت وارده بدون جبران باقی مانده است و ذی‌نفع شرط مزبور با توجه به اینکه بیمه‌تانیوهای تهیه کرده بود نتوانسته است این قسمت از خسارت جبران‌نشده را از طریق بیمه‌گر خود جبران کند. حال چگونه می‌توان به این موضوع قائل شد که بیمه‌گر ذی‌نفع شرط جبران خسارت درخصوص خسارت جبران‌نشده حق جانشینی علیه متعهد را دارا شده است و می‌تواند از طریق اقامه دعوی، خسارات جبران‌شده به وسیله بیمه‌گر خود را از وی مطالبه کند.

پاسخ به این سؤال را بایستی از طریق تبیین مفهوم حق جانشینی روشن کرد. بنا بر مفاد این اصل حق قائم‌مقامی بیمه‌گر را صرفاً نبایستی به مقصربودن فرد موجب حادثه محدود کرد، بلکه مورد جانشینی باید به صورت مطلق به هر آنچه فرد بیمه‌گر از لحاظ قانونی یا با ابتنا به مفاد تعهدات قراردادی به وجود می‌آید، تعلق گیرد، بنابراین هر آنچه فرد متعهدله حق مطالبه آن را از طرف مقابل خود دارد و خسارات ناشی از آن را از سوی بیمه‌گر خود جبران کرده است، به بیمه‌گر وی منتقل خواهد شد. به عبارت دیگر، بیمه‌گر ثانویه به قائم‌مقامی از ذی‌نفع شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت حق اقامه دعوی علیه متعهد شرط مزبور را خواهد داشت.

۹. تأثیر عوامل بیرونی در وابسته یا گسسته‌بودن عوامل سه‌گانه

آن‌گونه که در مباحث قبلی بحث و بررسی شد، روابط عوامل سه‌گانه مورد بحث با یکدیگر، سبب شد تا در برخی شقوق کارکردهای اصلی و آثار مترتب بر دو بحث شرط جبران خسارت و انتقال مسئولیت به بیمه‌گر تحت تأثیر قرار گیرد و سبب ایجاد محدودیت‌هایی بر اعمال کامل احکام آن‌ها بر طرفین شود. جدای از تأثیر روابط داخلی سه عامل مورد بحث در یکدیگر ممکن است، سایر عوامل دیگر نیز در چگونگی کارکرد این سه امر مؤثر واقع شوند که در ادامه به این موارد می‌پردازیم.

۱.۹. نقش دولتها و شرکتهای ملی نفت

اکثر ذخایر انرژی دنیا داخل در محدوده حاکمیت دولتهاست که در محدوده جغرافیایی خود بر این منابع تسلط دارند و چگونگی اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از این منابع، در ید اختیار حاکمیت است. تعداد اندکی از حاکمیت‌ها مالکیت خصوصی بر این منابع را به رسمیت شناخته و اکثریت حاکمیت‌ها، مالکیت بر این منابع را به نمایندگی از مردم، به‌وسیله یک نماینده وابسته به خود مثل شرکت‌های ملی نفت اعمال می‌کنند.

به رسمیت شناختن حق حاکمیت دولتها بر منابع نفت و گاز، جهت اعمال حق مالکیت سبب شکل‌گیری شرکت‌های ملی نفت در بستر زمان شد که این شرکت‌های ملی نفت به صورت کامل تحت مالکیت دولتها بودند. در این بین ایالات متحده آمریکا جزو کشورهای در اقلیت بود که در عین حال که به‌منزله کشور تولیدکننده نفت محسوب می‌شد، از تأسیس یک شرکت ملی نفت خودداری کرد. تأسیس شرکت‌های ملی نفت تحت تأثیر احساسات ملی‌گرایانه مردم و دولت‌مردان بود که با توسل به این امر درصدد تثبیت حاکمیت خود بر مرزهای جغرافیایی بودند (Ernest E & co, Smith, op, cit, 41). روند ایجاد شرکت‌های ملی نفت به دو شکل ملی‌سازی اموال شرکت‌های خارجی (مانند ایران و مکزیک) یا از طریق سلب امتیاز در قراردادهای امتیازی (مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی) محقق شد. در هر صورت صرف‌نظر از مکانیزم ایجاد، این شرکتها به صورت شرکت‌های در اختیار دولت بودند و در برخی کشورها چند شرکت ملی نفت وجود دارد که این شرکتها دارای لایه‌های مختلف یا شرکت‌های زیرمجموعه‌اند که همگی زیرمجموعه شرکت ملی نفت قرار دارند و در تمامی حوزه‌های پالایش و پتروشیمی نیز فعالیت می‌کنند. خصوصی‌سازی این شرکتها سبب از بین رفتن سیستم أخذ تأییدیه‌ها^۱ و ساده‌سازی روابط شد، موضوعی که در شرکت‌های ملی نفت همچنان به قوت خود باقی است و سبب شد تا کنترل کامل آن بر تمامی مراحل پروژه باقی بماند که این امر ضرورتاً به پذیرش برخی مسئولیت‌ها از سوی شرکت ملی نفت و دولت میزبان منجر می‌شود. استفاده از قراردادهای خدمت به دلیل ملاحظات سیاسی، ملی‌گرایانه، مقررات قانونی و سایر محدودیت‌های مقتضی که متعاقب خود کنترل تمام‌عیار شرکت ملی نفت یا دولت میزبان را همراه دارد، سبب تحمیل برخی مسئولیت‌ها به شرکت ملی نفت خواهد بود که این امر به افزایش پذیرش مسئولیت دولتها از طریق شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت به نحو متقابل انجامید.

1. Approval Procedure.

۲.۹. نقش شرکت‌های بین‌المللی نفتی^۱

در قراردادهای منعقدہ فی‌مابین شرکت‌های ملی نفت با یک شرکت بین‌المللی نفتی، معمولاً دولت میزبان سعی بر آن دارد تا تمامی مسئولیت‌های موجود در پروژه را متوجه شرکت بین‌المللی کند. قابلیت تحقق این امر در قراردادهای مشارکت و امتیازی بیشتر از قراردادهای خدمت خواهد بود، زیرا همان‌گونه که اشاره شد، کنترل همه‌جانبه شرکت ملی نفت و لزوم أخذ تأییدیه‌های متعدد از وی سبب می‌شود مسئولیت‌هایی نیز متوجه شرکت ملی نفت نیز شود. بنابراین، با توجه به نقش کم‌رنگ دولتها در عملیات اجرایی قراردادهای امتیازی، دولتها ریسک کمتری را متحمل می‌شوند. در نقطه مقابل با توجه به نقش پررنگ نظارتی، مدیریتی و کنترلی دولت در قراردادهای پیمانکاری بالادستی شرکت‌های ملی نفت گریزی از پذیرش برخی مسئولیت‌ها ندارند.

۳.۹. شرکت‌های بیمه‌ای

شرکت‌های بیمه‌ای به‌منزله مهم‌ترین ارکان پذیرش مسئولیت در پروژه‌های صنعتی از جمله نفت و گاز، نقش مهمی در تخصیص ریسک و پذیرش مسئولیت‌های قراردادی به عهده دارند. تأثیر انکارناپذیر نهاد بیمه با طیف وسیع پوششی در این پروژه‌ها سبب ایجاد ثبات و امنیت و موجب فراهم‌شدن فضای همراه امنیت بیشتر می‌شود (Mohamed Stevens, 2012: 12). نبود امنیت و ثبات اجتماعی در برخی کشورها سبب می‌شود شرکت‌های بین‌المللی از سرمایه‌گذاری در این مناطق امتناع کنند. پوشش‌های بیمه‌ای درخصوص ریسک‌های سیاسی از سوی آژانس چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری (خارجی)^۲ در برخی موارد تحت پوشش قرار می‌گیرند، اما پوشش‌های ارائه‌شده از سوی شرکت‌های بیمه‌ای نیز برخی از پوشش‌ها همچون خسارات ناشی از حملات تروریستی به تأسیسات فراساحلی را تحت پوشش قرار می‌دهند. صرف‌نظر از پوشش‌های ارائه‌شده برای ریسک‌های سیاسی از سوی شرکت‌های بیمه‌ای، نقش پررنگ شرکت‌های بیمه در تخصیص مسئولیت‌های قراردادی موضوع مهم‌تری است که نقش این نهاد را بارزتر می‌کند. تخصیص مسئولیت‌های موجود در قرارداد پس از پذیرش آن‌ها از سوی طرفین به شرکت‌های بیمه‌ای منتقل می‌شود.

نکته شایان ذکر اینکه امروزه تقریباً تمامی ریسک‌های قراردادهای نفت و گاز از طریق شرکت‌های بیمه‌ای پوشش داده می‌شوند^۳، اما دایره استثنائات بیمه‌نامه‌های مزبور بسیار زیاد

1. International Oil Companies.(IOCs)
2. Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA).

۳. بیمه‌نامه‌های تمام‌خطر در حوزه‌های صنعتی از جمله بیمه‌نامه‌های حوزه نفت و گاز نشان از این امر دارند.

است، به گونه‌ای که همچنان مسئولیت پیمانکار پروژه در موارد نبود پوشش بیمه‌ای به قوت خود باقی است.

۱۰. ارائه نظریه روابط عوامل سه‌گانه

آن گونه که در ابتدای مقاله ذکر شد، عوامل سه‌گانه مورد بحث در عنصر مسئولیت که جوهر اصلی مفاهیم سه‌گانه است، مشترک‌اند. به تعبیر دیگر، در هر یک از عوامل مزبور پذیرش مسئولیت محقق می‌شود، اما درجات پذیرش مسئولیت متفاوت است.

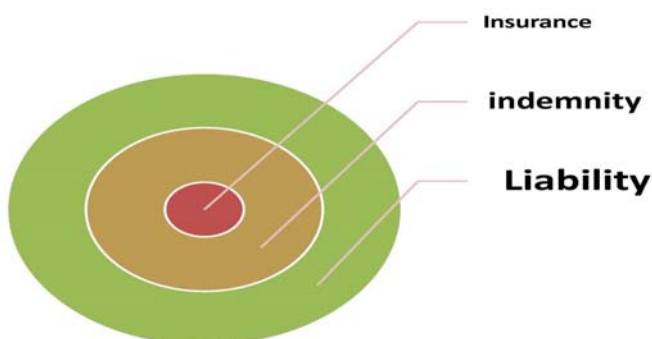
همان گونه که در مطالب قبلی بحث و بررسی شد؛ تخصیص ریسک‌ها بعد از شناسایی و ارزیابی آن‌ها از حیث مسائل حقوقی و فنون قراردادی از طریق مکانیزم‌های سه‌گانه تعهدات طرفین، شرط پذیرش مسئولیت و بیمه است. اما با توجه به اینکه چه کسی در نهایت این مسئولیت را پذیرا باشد این شیوه‌ها استفاده می‌شوند. به عبارت بهتر، این سه مفهوم در عین حال که جوهر مشترکی دارند، از حیث فرد پذیرنده آن به سه مقام، مسئول براساس قانون حاکم اعم از امری یا تکمیلی، مسئول براساس شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت و مسئول براساس مفاد قرارداد بیمه تقسیم می‌شوند.

برای تبیین بهتر مفاهیم ذکر شده، اشکال ذیل را ارائه می‌کنیم.



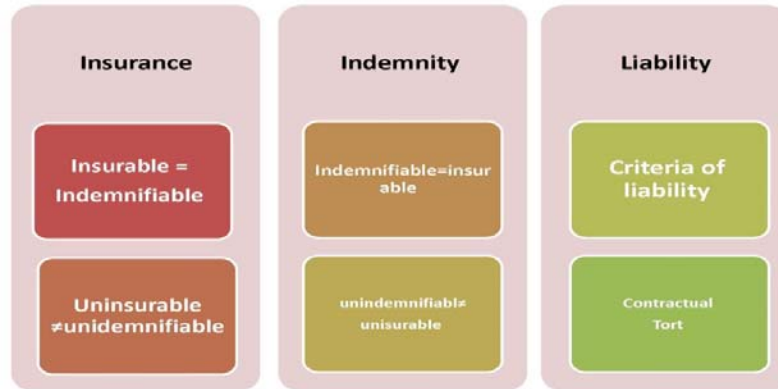
همان گونه که در شکل مشاهده می‌شود، قاعده هرم مزبور که منطقه بزرگ‌تر آن است، مختص مسئولیت و قدرت پذیرش ریسک بالذات متوجه این نهاد است. در مرحله بعدتر که تاحدی شمول پذیرش مسئولیت محدودتر می‌شود، موضوع شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت مطرح است. در نهایت که شمول پذیرش آن محدودتر از بقیه می‌شود متوجه نهاد بیمه است. بنابراین، هر سه عامل با درجات مختلف در نهایت متحمل مسئولیت‌های پروژه است. نکته درخور توجه اینکه دو عامل شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت و بیمه به‌منزله نهادهای مکمل به شمار می‌روند و در صورت شرط‌کردن آن در قرارداد، چنین تعهداتی

بر عهده متعهد آن برقرار خواهد شد، زیرا برابر اصل اولیه مسئولیت هر فرد بر عهده خود آن فرد و انتقال آن به طرف مقابل قرارداد یا شخص ثالث (بیمه) در زمره تعهداتی است که به موجب شروط قراردادی ایجاد می‌شود. بنابراین، در تحلیل روابط عوامل سه‌گانه در نسبت اربعه منطقی بایستی به رابطه عموم و خصوص مطلق قائل بود و برای ترسیم آن از سه دایره متداخل در هم بهره برد.



در رابطه بین دو نهاد شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت و بیمه بایستی این توضیح را ارائه کرد که شکل بالا بر مبنای این نظر ترسیم شده است که هر آنچه قابلیت پذیرش مسئولیت آن از سوی شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت ممکن است قابل پوشش از سوی نهاد بیمه نیز است. البته ممکن است براساس نظام‌های حقوقی یا رویه‌های قضایی مختلف، تحلیل این روابط به عموم خصوص مطلق صحیح نباشد. بر این اساس ممکن است براساس قوانین و مقررات کشوری، درج شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت در حوزه خاصی ممنوع باشد، اما تأمین پوشش بیمه‌ای برای آن با مانعی مواجه نباشد. برای مثال قوانین ایالت تگزاس^۱ گستره شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت را تا حد مشخصی مجاز دانسته و تعهدات خارج از آن را قانونی ندانسته است و باطل تلقی می‌کند، در حالی که تأمین پوشش بیمه‌ای در برخی از این شقوق صحیح است و می‌توان برای آن پوشش بیمه‌ای تهیه کرد.

1. Texas Oilfield Anti-Indemnity Statute.



بنابراین، مدنظر نویسنده در این مقاله عمدتاً تحلیل این روابط در نظام حقوقی ایران و قراردادهای بین‌المللی صنعتی است که دایره شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت تا آنجا که براساس میانی و اصول حقوقی مجاز است، خرید پوشش بیمه‌ای نیز برای آن بلامانع است و آنجا که محدوده چنین شرطی از لحاظ حقوقی صحیح نیست مانند شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت در برابر تقصیر سنگین یا خطای عمد، تأمین پوشش بیمه‌ای نیز برای آن ممکن نخواهد بود. درخصوص عکس این موضوع که ممکن است مواردی تحت مفاد شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت قرار گیرد، در حالی که تأمین پوشش بیمه‌ای برای آن مقدور نیست، اشکالی بر نظریه بالا وارد نیست، زیرا در این نظر دایره شمولی شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت از شمول بیمه بزرگ‌تر و این موضوع مطابق قاعده است.

۱۱. نتیجه‌گیری

مباحث مربوط به مسئولیت در قراردادهای پیچیده صنعتی از جمله حوزه نفت و گاز از سه سطح تشکیل شده است. جوهر تمامی سطوح مزبور پذیرش مسئولیت است. همان‌طور که بیان شد پذیرش مسئولیت هر فرد به واسطه خود آن فرد به موجب قوانین آمره یا تکمیلی مشخص می‌شود. شروط قراردادی ممکن است این مسئولیت را به طرف دیگر قرارداد یا شخص ثالث (بیمه) منتقل کند که این شروط سبب به وجود آمدن سطح دوم و سوم پذیرش مسئولیت در قراردادها میشوند. این عوامل از دو حیث داخلی و خارجی در یکدیگر تأثیرگذارند و ممکن است دایره شمولی هر یک از این موارد از سوی عامل دیگر توسعه یا تضییق یابد. برای مثال، وجود شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت در قرارداد پایه سبب ایجاد محدودیت‌هایی درخصوص مفاد قرارداد بیمه از جمله درخصوص بحث قائم‌مقامی می‌شود. البته ممکن است در برخی نظام‌های حقوقی مفاد بیمه‌نامه متناظر با شروط جبران خسارت مندرج در قرارداد پایه

تفسیر نشود و مستقلاً به مفاد بیمه‌نامه عمل شود که در این صورت ممکن است دایره شمولی بیمه‌نامه از تعهدات مندرج در قرارداد فراتر رود. همچنین ممکن است علاوه بر تأثیر داخلی عوامل مزبور، عوامل بیرونی نیز همچون دولت، شرکت‌های بین‌المللی نفتی و بیمه‌ای نیز در این فرایند مؤثر واقع شوند. شایان یادآوری است با توجه به بررسی‌ها در حقوق ایران روابط سه‌گانه مدنظر به صورت عموم و خصوص مطلق و به صورت سه دایره متداخل در هم قابل ترسیم است. البته ممکن است این موضوع با توجه به قانون حاکم بر قرارداد به علت ایجاد محدودیتهایی که درخصوص شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت وجود دارد صادق نباشد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در تهیه قراردادهای صنعتی نویسندگان قراردادهای مزبور به اثر تعاملی شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت و بیمه توجه بیشتری داشته باشند و آثار متقابل آن دو را در تخصیص ریسک‌های قراردادی لحاظ کنند، به‌گونه‌ای که تقیید یا تقییدنکردن دایره شمولی بیمه‌نامه و شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت به‌وسیله یکدیگر قبل از انعقاد قرارداد بررسی شود. البته در برخی موارد ممکن است (مانند موردی که شرط جبران خسارت و پذیرش مسئولیت از سوی کارفرما به نفع پیمانکار است و از طرفی نیز بیمه‌گر در بیمه‌نامه‌ای که از سوی پیمانکار تهیه شده است، حق قائم‌مقامی خود را در برابر کارفرما اسقاط کرده و کارفرما و عوامل وی موجب ایجاد خسارت برای پیمانکار شده است) تعهدات مربوط به شرط پذیرش مسئولیت و جبران خسارت و بیمه به طور همزمان قابل اعمال باشند که در این خصوص نیز بایستی با توجه به ماهیت هر یک از این نهادها حکم به جبران خسارت از سوی یکی از این دو مکانیزم داد، زیرا جبران مضاعف خسارت براساس اصول حقوقی ممنوع است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ایزانلو، محسن (۱۳۸۷). شروط محده و دکننده و ساقط‌کننده مسئولیت، شرکت سهامی انتشار.
۲. ----- (۱۳۸۹). «شرط مخالف قائم‌مقامی»، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴، ۵۷-۷۷.
۳. عباسلو، بختیار و کرمی‌فهی، محسن (۱۳۹۴). «قاعده قائم‌مقامی در حقوق بیمه»، پژوهش‌نامه بیمه، سال سی‌ام، شماره ۱، ۲۶۷-۲۴۱.
۴. کاتوزیان، ناصر و ایزانلو، محسن (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی، جلد سوم: بیمه مسئولیت مدنی.
۵. نکویی، محمد (۱۳۹۳). «مصادیق بطلان شرط عدم مسئولیت (مطالعه تطبیقی)»، فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، شماره ۲، ۵۳-۲۷۳.

ب) خارجی

6. Ernest E, Smith & Co (2010). *Materials on International Petroleum Transactions*, Rocky Mountain Mineral Law Foundation.
7. Dezhi Peng, David (editor)(1993). *Insurance and Legal Issues in the Oil Industry*, International Energy and Resources Law and Policy Series, Dundee University.
8. Gerald f. Slattery, jr (2014). Indemnity and Insurance in The Texas Oil Patch, Texas, *Journal of Oil, Gas, and Energy Law*, Vol. 10/1, 100-148.
9. James W. Bryan (2010). *hold Harmless, Indemnity, Subrogation and "Additional Insured"* *Insurance in Transportation Contracts*, Nexsen Pruet P.L.L.C.
10. John M. Moshonas, John A. Vamplew & Sean R. Lerner, subrogation (2006). *basic principles, Emerging Trends and Practical Considerations*, white law twining law corporation.
11. Matthew Skinner & Justin Coss, Subrogation (2006). Allen Arthur Robinsonm.
12. Mohamed Stevens. "the Role of Insurance in Risk Minimization: The Advantages and Disadvantages of Private and Public Political Risk Insurance", CAR (CEPMLP Annual Review): CAR Vol. 16.